

۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

## تأملاتی در مبانی نسخه ایرانی شهرسازی دانش بنیان

دکتر محمد نقی زاده<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>استادیار شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
dr\_mnaghizadeh@yahoo.com

### چکیده

موضوع "آگاهانه" عمل کردن و بر اساس دانش و عالمانه خلق کردن "طرح‌ها" و "برنامه‌ها" موضوعی است که اگر چه علی‌الظاهر مخالفی ندارد، اما موضوعاتی از قبیل "تکرار"، "تقلید"، "بی‌تناسبی" و "ناهماهنگی" در تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها از مشکلاتی هستند که لزوم تأکید بر ویژگی‌های شهرسازی دانش بنیان و تبیین موارد لازم‌الرعايه در این روند را ضروری می‌نماید. مقاله حاضر بدون ورود در همه جنبه‌های شهرسازی دانش بنیان و بدون رد امکان و لزوم توجه به مباحث فنی و کمی و اجرایی و رویه‌ای صرفاً به مباحث نظری، که بر انتخاب رویه‌ها و روش‌ها و همچنین موضوعات تکنیکی تأثیرگذار خواهند بود، خواهد پرداخت. مسأله اصلی تبیین تأثیر و جایگاه متون فکری و فلسفی (به ویژه نسخه ایرانی آنها) بر تدوین مبانی نظری شهرسازی دانش بنیان است. مقاله در پی پاسخ به این سؤال خواهد بود که شهرسازی دانش بنیان از کجا آغاز می‌شود؟ و جهان بینی و فرهنگ در معرفی آن چه نقشی ایفا می‌کند؟ یافته‌های تحقیق نیز به لزوم اصالت دادن به شرایط فکری و فرهنگی و محیطی و زمانی هر شهر و تهیه طرح و برنامه خاص برای هر شهر است.

**کلیدواژه‌ها:** شهر، شهرسازی، دانش بنیان، فرهنگ، ایرانی

## ۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

### ۱- مقدمه

اضافه شدن به موضوعات دیگر، آنان را نیز به سمت اقتصاد و به طور عام به سمت جنبه مادی و کمی زندگی سوق داد. برای نمونه، مفهوم توسعه پایدار نیز از این گرایش در امان نماند [۱۹]. Ekinz ریشه‌های پایداری محیطی و یا عدم تحقق آن را در سیستم‌های اقتصادی جستجو نموده و می‌گوید: "در تمام اقتصادهای صنعتی دنیا تجربه‌ای از پایداری محیطی نمی‌تواند وجود داشته باشد، چون که بقا و دوام این صنایع به انباشته‌های پایان‌پذیر محیطی اتکا دارد" [۱۰]. بنابراین، اولاً، موضوع "بنیان" بودن علم برای طرح‌ها و برنامه‌های شهرسازی و معماری، یا به عبارت دیگر، بنیاد نهادن این طرح‌ها و برنامه‌ها بر دانش، به جهات عدیده‌ای از اهمیت ویژه و شایان توجه برخوردار است؛ و ثانیاً ویژگی‌ها و منابع دانش مورد نظر در ایران، با آنچه که در جوامع دیگر به عنوان ویژگی‌ها و منابع دانش شهرسازی مطرح هستند متفاوت و متمایز می‌باشند؛ فلذاست که مطالعات خاص خود را طلب می‌کند، که در این مقاله به اجمال مورد اشاره قرار می‌گیرند:

### ۴. قلمروهای کسب دانش

اصلی‌ترین عامل تولید (یا کشف) علم "سؤال" است. در باب اهمیت سؤال قابل ذکر است که اولاً موضوع سؤال (یا موضوعات مشابه و هم‌معنی با آن از قبیل: احتیاج، نیاز، اراده، میل، گرایش به دانستن، کنجکاوی، حقیقت‌جویی و امثال اینها) از گذشته‌های دور به عنوان اصلی‌ترین عامل و زمینه‌ساز تولید (و کشف) علم مورد توجه و استناد بوده است. چنانچه نبی مکرّم اسلامص علم را درون خزائنی می‌دانند که کلید آن خزائن سؤال است.<sup>۱</sup> امام صادق نیز مکرراً به این موضوع اشاره دارند: "بر در این علم قفلی است که کلید آن پرسش است" و "همانا مردم هلاک شدند چون نپرسیدند" [۱۱]. ثانیاً امروزه نیز یکی از ارکان همه پیشنه‌ها و پروپوزال‌ها طرح "سؤال" است. و بالاخره این که، حتی دانشمندانی که بنا به سفارش کارفرمایی به تولید علم و کشف می‌پردازند، در واقع، سعی در یافتن پاسخ به نیازها (یا سؤالات) کارفرمای خود دارند.

از آنجایی که علم مجموعه پاسخ سؤالات انسان است، اهتمام به تنظیم سؤالات مناسب و خاص هر جامعه و شهر برای هر طرح و برنامه‌ای و از جمله برای شهرسازی (به ویژه که بخواهد دانش‌بنیان باشد) یک ضرورت است. به این ترتیب، علم‌گرایی را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین معیار کیفی برای تنظیم طرح و برنامه و اداره یک شهر آرمانی و مطلوب دانست. به بیان دیگر، نکته مهم و اساسی این است که "مدینه فاضله" (یا شهر مناسب زیست انسانی)، جایگاه دانستن و به کار بستن دانسته‌هاست، یعنی "علم" و "عمل" باید هماهنگ و همراه

امام علی‌ع ارزش هر کس را به میزان دانایی و تخصص او می‌داند: "قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ" ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست [۲]؛ و طبیعی است که دانایی و تخصص نیز موضوع ثابتی است و باید مسیر تعالی و کمال ببیماید. با این مقدمه سعی بر آن است تا مبانی مورد نظر برای تبیین مقصود از شهرسازی دانش‌بنیان و ویژگی‌های آن در فضای فرهنگ ایرانی تدوین شوند.

یکی از نکات اصلی در مباحث مربوط به شهرسازی دانش‌بنیان آن است که دانش مورد نیاز طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری به تناسب تفاوت‌ها و تمایزاتی که با یکدیگر دارند، متفاوت می‌باشد. شاید بی‌توجهی به این موضوع و تسری دانش مکانی خاص و زمانی معین و موضوعی مشخص به همه طرح‌ها و برنامه‌ها یکی از اصلی‌ترین ادله عدم توفیق بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌ها باشد. اهم دلایلی که لزوم دانشی خاص را برای هر طرح و برنامه‌ای (در محدوده زمانی و محیطی و فکری خاص) را ضروری می‌نمایند عبارتند از: تفاوت جهان‌بینی انسان‌ها و جوامع، تمایزات فرهنگی، تفاوت ویژگی‌های زمان، اختلاف در شرایط سرزمینی، تفاوت آرمان‌ها و اهداف، تفاوت در امکانات در دسترس و بسیاری تمایزات و تفاوت‌های دیگر.

### ۲. سؤال اصلی و روش تحقیق

مقاله حاضر بر آن است تا اولاً اصلی‌ترین قلمروها و عواملی را که در شکل‌گیری دانش شهرسازی ایفای نقش می‌کنند، تعریف نماید؛ و ثانیاً، ضرورت دستیابی و بهره‌گیری از دانش خاص برای هر طرح و برنامه خاص را تبیین کند. روش تحقیق به کار گرفته‌شده نیز روش استدلال منطقی است، که با بررسی نیازها و مبانی شهرسازی، به نوع دانش مورد نیاز برای طرح‌ها و برنامه‌های شهری می‌پردازد.

### ۳. اهمیت و سابقه موضوع

اصطلاح دانش‌بنیان که ابتدا به عنوان صفت اقتصاد و به صورت "اقتصاد دانش‌بنیان" مطرح شد، وقتی برای سایر رشته‌ها نیز مطرح شد صبغه و بار اقتصادی را به آنها تحمیل نمود. همانند اصطلاح "توسعه" که بدو در مقولات مادی و اقتصادی مطرح شد [۳، ۷، ۸]، و وقتی به تدریج برای سایر جنبه‌های مرتبط با حیات اجتماعی همچون انسان، فرهنگ، سیاست، هنر، عدالت اجتماعی و امثالهم نیز مورد استفاده قرار گرفت، به ویژه وقتی که صفت پایداری شد صبغه اقتصادی‌اش کماکان برجسته بود. در توضیح مطلب می‌توان به شواهدی اشاره کرد؛ از جمله این که مفهوم "توسعه" که اولین بار در قلمرو اقتصاد مطرح شد، با

## ۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

علاوه بر اینها، مروری اجمالی بر تاریخ علم نشان می‌دهد که علمی که از چهار منبع اول تحصیل می‌شوند، با مکاشفات جدید به سهولت ابطال می‌شوند و علوم (یا کشفیات) جدید جای آنها را می‌گیرند؛ و تنها منبع علمی پایدار «وحی» است؛ که امروزه عموماً بهره‌گیری از آن مغفول مانده است. امام علیع قرآن را با عنوان محمل علم پایدار که رسوخ و خلل و تباهی و ابطالی در آن نیست معرفی می‌نماید: «کتابُ الله بینَ أظهرکم، ناطقٌ لایعیا لسانه، وَ بَیتٌ لاثهدمُ أركانُه، وَ عِزٌّ لاثهزمُ أعوانُه»: کتاب خدا قرآن در میان شما سخن‌گویی است که هیچگاه زبانش از حق‌گویی کُند و خسته نشده، و همواره گویاست، خانه‌ای است که ستونهای آن هرگز فرو نمی‌ریزد، و صاحب عزتی است که یارانش هرگز شکست ندارند» [۲].

بنابراین نه تنها نباید فقط بر محسوسات و استدلالات کمتی متمرکز بود، که باید وجوه عقلانی و انسانی موضوعات را به جدّ مورد توجه قرار داد؛ و فراتر از آن، به کشف دانش مورد نیاز از منابع وحیانی اقدام نمود.

### ۵. نکاتی در باب علم و علم‌مداری

برای هدایت طرح‌ها و برنامه‌های شهری و به عبارت بهتر برای تحصیل شهرسازی دانش‌بنیان توجه به چند موضوع و به ویژه صبغه ایرانی این موضوعات ضرورت دارد؛ که در این مجال به آنها اشاره می‌شود:

**الف. کشف علم روز:** اولین نکته آن است که در هر رشته‌ای از علوم، معلومات انسان نسبت به مجهولاتش بسیار اندک هستند؛ به این ترتیب ادعای آگاهی به دانش یک رشته (هر رشته‌ای از علوم که باشد) مقرون به صواب نخواهد بود. احتراز از تقلید و تکرار صرف الگوهای بیگانه یا تاریخی و بالاخص نسخه‌های قدیمی آنها که در مبدأ خودشان نیز متروک شده‌اند و به عبارتی تاریخ مصرفشان گذشته است.

**ب. جامع‌نگری علوم:** نکته دوم آن که دانش (بخصوص در شهرسازی) به علوم تجربی و ریاضی و طبیعیات (science) منحصر نشده و بسیاری از علوم و معارف دیگر از قبیل حکمت، فلسفه، عرفان، هنر، زیباشناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، اقتصاد و فرهنگ در شکل‌گیری طرح‌ها و برنامه‌های دانش‌بنیان برای شهرسازی ایفای نقشی در خور را بر عهده‌دار هستند.

**ج. توجه به زمینه‌ها:** «شهرسازی» (یا ساختن شهر به طور عام)، برای جوامع و انسان‌های گوناگون، در سرزمین‌های مختلف، در زمان‌های متفاوت، با شرایط گوناگون انجام می‌شود. مدّ نظر قرار دادن تکرار شرایط سایر مکان‌ها برای هر مکان دیگر، از ضروریات اصلی شهرسازی دانش‌بنیان است.

باشند؛ چنانچه «از دیدگاه فارابی دربایست هر یک از شهروندان مدینه فاضله است تا پدیدآورندگان و علل هستی‌های دور و جایگاه‌های آنها و معنای نیک‌بختی و فرمانروای نخست آرمان‌شهر و جایگاه او را چنان که هست به خوبی شناسایی کنند، آنگاه کنش‌های معینی که به کار بستن آن، پدیدآورنده نیک‌بختی است همان را به خوبی دریابند و بی‌آنکه به شناختن آن بسنده کنند، جملگی را به گونه نیکو به کار ببندند» [۱۳].

نکته اصلی در دست‌یابی به علوم و دانش مورد نیاز این است که به تناسب منابع دانش باید از منبع یا منابع مناسب دانش استفاده شود. قابل ذکر است که منابع دانش بشری عبارتند از: «حس» (تجربه)، «استدلالات ریاضی»، «استدلالات عقلی»، «مکاشفه» (شهود) و «وحی». در میان متالهیین «وحی» از اصلی‌ترین و پایدارترین منابع دانش انسان و شکل‌دهنده جهان‌بینی و هدایتگر رفتارهایش می‌باشد. امام‌الموحدین نیز به این موضوع و نقش آن در زندگی آرمانی و انسانی انسان عنایت ویژه‌ای داشته‌اند که به مواردی از آن در قالب توجه به «اسلام»، «قرآن»، «پیامبر خدای» و «ائمه» اشاره شده است؛ که البته اسلام چیزی جز «قرآن» و «سنت پیامبر خدای» و «سیره ائمه» نیست [۱۵]. با توجه به این که «وحی» مرتبط با خداوند سبحان و خالق هستی است، می‌توان گفت که صحیح‌ترین، غیرقابل خدشه‌ترین و پایدارترین منبع دانش برای انسان «وحی» است. نکته مهم در این زمینه این است که علاوه بر قرآن کریم که وحی مستقیم است، کلام و سیره پیامبر خدای و معصومین که مفسرین حقیقی وحی هستند، به عنوان مجموعه‌ای و به مثابه پایدارترین و اصلی‌ترین منبع دانش بشری ایفای نقش نموده و هدایت بشریت را عهده‌دار هستند.

موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد توجه به «ایمان»، «معنویت‌گرایی»، «معادگرایی» و «تعامل منطقی با دنیا» است؛ که مروری بر این موضوعات نیز نشان می‌دهد که اینان نیز جملگی به موضوع واحدی که همان معنویت، که هدف اصلی زندگی انسانی است، اشاره دارند و هر کدام از مسیری ظاهراً متفاوت به یک هدف می‌رسند. نکته مهم این که موضوعاتی که حالت گرایش یا عملی دارند در فضای «ایمان» به منصب ظهور می‌رسند؛ و در واقع، ایمان است که جهت‌گیری و مقبولیت آنها را توجیه می‌نماید. نکته‌ای که می‌تواند مؤید مباحث مطرحه در باره تأثیر متقابل جهان‌بینی و عمل باشد به وضوح از کلام مولی علیع قابل استنتاج است: «سَبِيلٌ أُلْبِجُ الْمِنْهَاجِ، أَنْوَرُ السَّرَاجِ، فَبِالْإِيْمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ، وَ بِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيْمَانِ، وَ بِالْإِيْمَانِ يُعْمَرُ الْعِلْمُ»: ایمان روشن‌ترین راه‌ها و نورانی‌ترین چراغ‌هاست، با ایمان می‌توان به اعمال صالح راه برد، و با اعمال نیکو به ایمان می‌توان دسترسی پیدا کرد، با ایمان، علم و دانش آبادان است» [۲].

## ۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

هم این که انسان‌هایی در باره آن اظهار نظر و آن را ارزیابی می‌کنند. بنابراین، عوامل مربوط به زمینه کالبدی را باید همراه با سایر زمینه‌های و هماهنگ با آنها مد نظر قرار گیرد.

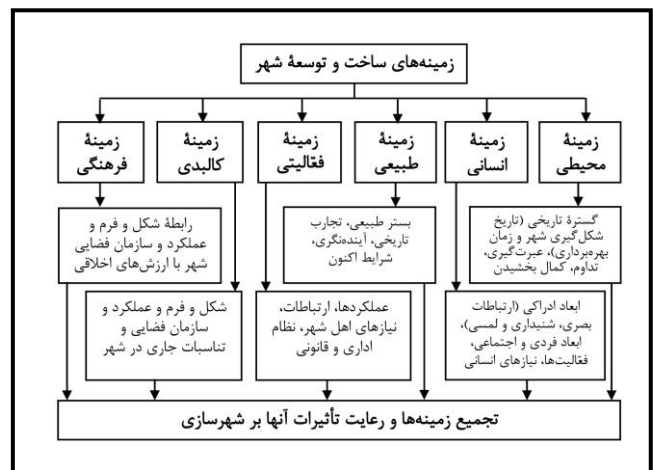
**زمینه تاریخی (زمانی):** یکی از اصلی‌ترین زمینه‌ها گستره و زمینه تاریخی و زمانی‌ای است که شهر در آن شکل گرفته و توسعه یافته است. به این ترتیب، شهرسازی نیز باید این زمینه را مورد توجه قرار دهد، و با لحاظ کردن ویژگی‌های آن، طرح‌ها و برنامه‌هایی تهیه و اجرا شوند تا وحدت و هماهنگی لازم در شهر محفوظ بماند؛ و از گسست تاریخی (و به تبع آن گسست فرهنگی جامعه) که آثار مخربی بر هویت تاریخی جامعه خواهد داشت پیشگیری شود. زمینه تاریخی شامل عواملی چون بستر تاریخی (عوامل تاریخی مؤثر بر شکل‌گیری شهر)، نیازهای زمان حاضر (یا زمان بهره‌برداری) و پیش‌بینی‌هایی برای آینده شهر خواهد بود. علاوه بر اینها، در زمینه تاریخی به موضوعاتی چون عبرت‌گیری (درس گرفتن از گذشته و تجارب)، تداوم و پیوستگی مطلوب، کمال بخشیدن به مطلوب‌ها، استحاله ضروری فرم‌ها و فضاها و سایر موضوعات مرتبط نیز باید پرداخت.

**زمینه طبیعی:** بستر یا زمینه طبیعی، محیط و سرزمینی که شهر در آن قرار گرفته است را مد نظر قرار می‌دهد. این زمینه از دو منظر بر ایجاد و توسعه شهر تأثیرگذار است: یکی درس‌ها و تجارب تاریخی و گذشته که زمینه‌ساز ظهور فرم‌ها، اشکال، مصالح، فضاها، رنگ‌ها، جهت‌گیری‌ها و سایر ویژگی‌های پاسخگو به شرایط طبیعی شده‌اند؛ و دوم ویژگی‌هایی را که می‌توان در مقایسه با شرایط و ویژگی‌های طبیعی که برای شهر امروز و آینده مطرح کرد و ملاک شهرسازی قرار داد. در واقع، در زمینه طبیعی (در کنار توجه به مباحث روز) هر دو موضوع تجارب تاریخی و آینده‌نگری باید مد نظر قرار گیرند.

**زمینه فرهنگی:** با عنایت به تعریف "فرهنگ" و با توجه به توضیحاتی که در باره جایگاه "فرهنگ" در فرآیند ظهور و خلق آثار انسانی مطرح می‌باشد و آن را به عنوان فضای عمل انسان معرفی نموده است [۱۴، ۱۷]. زمینه فرهنگی از اصلی‌ترین و جامع‌ترین و ضروری‌ترین زمینه‌هایی است که توجه به ارزش‌های حاکم بر آن و رعایت آن ارزش‌ها ضرورت و اساس تهیه هر نوع طرح و برنامه‌ای برای شهر است. فرهنگ متأثر از اصول حاکم بر جهان‌بینی بوده و زمینه کاربرد و تجلی عینی آن اصول را در زندگی و فعالیت‌های انسانی و به تبع آنها در شهرسازی فراهم می‌کند. به تناسب ارکان جهان‌بینی و شرایط محیطی، جلوه‌های متنوعی از (حتی) اصول ثابت به منصف ظهور می-

توجه به زمینه‌ها، و به عبارت بهتر، توجه به زمینه‌ها و بسترهایی که شهر در آن زمینه‌ها و شرایط ساخته می‌شود و توسعه می‌یابد از اهمیت شایان توجهی برخوردار است که مغفول ماندن هر کدام به نقص و ناهماهنگی و تخریب شرایط مناسب زیست خواهد انجامید. "زمینه" متشکل از عرصه‌های متنوعی است که اصلی‌ترین آنها عبارتند از: زمینه کالبدی، زمینه تاریخی، زمینه طبیعی، زمینه فرهنگی، زمینه انسانی و زمینه فعالیتی؛ که در نمودار ۱ نشان داده شده‌اند؛ و توضیح اجمالی آنها به شرح زیر است:

نمودار ۱: نمودار زمینه‌های مطرح در شهرسازی و برخی زیرمجموعه‌های آنها



**زمینه کالبدی:** شاید بتوان گفت که زمینه کالبدی (اگر نه مهم‌ترین، که) ابتدایی‌ترین زمینه‌ای است که باید مورد توجه و مطالعه شهرسازان قرار گیرد. بدو می‌توان از زمینه کالبدی شهر، مستقل از انسان، که به شکل و فرم و عملکرد و سازمان فضایی و تناسبات و قلمروهای شهر برمی‌گردد، به عنوان زمینه‌ای اساسی یاد کرد که توسعه و اصلاح شهر در آن زمینه انجام می‌شود، و لذا هر طرح و برنامه‌ای باید در جهت کمال آن چه که هست و هماهنگ و همراه با ابعاد مثبت وضع موجود باشد. اگر چه در این زمینه بدون دخالت دادن ترجیحات انسان و بدون ارزش‌گذاری می‌توان به توسعه شهر پرداخت، اما این امر مطابق با واقع، یا مطابق با آنچه که باید باشد، نخواهد بود؛ چرا که این موضوع به صورت کاملاً مستقل از سایر زمینه‌ها ممکن نیست؛ چون به هر حال، هم انسان‌هایی برای شهر طرح و برنامه می‌دهند، هم برای انسان‌هایی طرح و برنامه می‌دهند، هم این که انسان‌هایی در آن خواهند زیست و

## ۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

منطقه‌بندی یا اختلاط فعالیت‌ها و امثال اینها مطرح می‌شوند، که پس از مدتی نسخ و شیوه دیگری جایگزین آنها می‌شود.

### د. توجه به همراهی "دانش" و "ادراک"؛ "آگاهی" و "ادراک":

دو موضوع مهم و اساسی در تنظیم ارتباطات انسان با محیط هستند که ورود در آن مباحث و به ویژه ورود در موضوع ادراک خود بحث مستوفایی را طلب می‌کند. به همین دلیل تنها به تذکر جایگاه بنیادین آن بسنده شده، و ضمن ارجاع مطالعه موضوع در مراجع ذی‌ربط، در این مجال، به برخی از موارد مرتبط با مراتب "آگاهی" یا "دانش" اشاره می‌شود؛ که این مراتب با منابع دانش انسان نیز هم‌پوشانی‌هایی دارند.

- اولین مرتبه آگاهی انسان به ماده (طبیعت) و متعلقات آن، و به عبارتی، آگاهی به محسوسات است؛ که این مرتبه از آگاهی (یا حس و تجربه)، پائین‌ترین مرتبه آگاهی شمرده می‌شود.
- آگاهی مرتبه دوم آگاهی‌ها و استنتاجات ناشی از تجزیه و تحلیل و تفکر و تفقه و تدبیر و تعقل در آگاهی‌های محسوس با بهره‌گیری از اصول و معیارهای مأخوذ از جهان‌بینی و فرهنگ و علوم و تجارب تاریخی و علمی در پرتو عقل است. این مرتبه از آگاهی خود مراتب متنوعی دارد که اگر به استدلال‌گرایی صرف متمایل یا منجر شود، عاری از حضور معنوی خواهد بود که مورد نفی و نقد بسیاری اندیشمندان قرار گرفته و به عنوان مرتبه‌ای ناقص از آگاهی مطرح می‌شود. چنانچه شووان بر آن است که "استدلال‌گرایی (rationalism) با مراقبه و حضور معنوی حقیقی مطلقاً سر و کاری ندارد" [۹].

- دانش دیگر، آگاهی به معنا و ساحت روحانی زندگی و دنیاست که به عکس آگاهی اول که وجه اشتراک انسان و حیوان است، این نوع آگاهی روحانی وجه ممیزه انسان و حیوان است. البته در نوع استفاده از آگاهی‌های نوع اول نیز بین حیوان و انسان تفاوت است. انسان با به کارگیری عقل حساب‌گر و در جهت امیال و خواسته‌های خویش از این آگاهی‌ها به منظور تحصیل منافع خاص استفاده می‌کند.

- آگاهی‌های بعدی مشتمل بر آگاهی‌های فطری است، که در حقیقت، جهت‌دهنده و تعریف‌کننده آگاهی‌های مراتب پایین‌تر است، و تعالیم و حیوانی بر آن تأکید ورزیده‌اند (روم: ۳۰) [۱].<sup>۲</sup>

رسند؛ و به همین دلیل است که رعایت ارزش‌های فرهنگ جامعه در طرح‌ها و برنامه‌های شهری اصلی لازم‌الرعایه است. به این ترتیب، زمینه فرهنگی بستر و گستره‌ای است که می‌تواند در بر گیرنده مطالعات و مؤلفه‌های سایر زمینه‌ها نیز باشد.

**زمینه انسانی:** زمینه دیگری که اهمیت خاص خود را دارد زمینه انسانی است که موضوعات مرتبط با انسان در این زمینه مورد امعان نظر قرار می‌گیرد. برای این زمینه، ابعاد ادراکی (نتیجه ارتباطات بصری، لمسی، شنیداری و بویایی)، ابعاد اجتماعی، وجوه و جلوه‌های رفتاری، موضوعات فرهنگی و رشته‌های فعالیتی را می‌توان تعریف کرد. به نظر می‌رسد، با توجه به آنچه که توضیح خواهد شد و آنچه که به عنوان مباحث رایج در شهرسازی و زندگی شهری و جامعه مدنی مطرح هستند، زمینه انسانی اصلی‌ترین زمینه (یا حتی اصلی‌ترین قلمروی) است که شهرساز نیازمند توجه به همه ابعاد و جوانب آن است. امروزه از تمرکز بر موضوعات متنوعی با پسوند "مداری" و "محوری"، مثل پیاده "مداری"، عابر "مداری"، کودک "محوری"، زن "مداری" و مانند اینها سخن به میان می‌آید و با این رویکردها طرح‌ها و برنامه‌هایی برای محدوده‌های مختلف شهرها (از قبیل خیابان، میدان، محله و حتی کلیت شهر) تهیه و توصیه می‌شود. همه این رویکردها مناسب و مطلوب و ضروری‌اند، اما اگر در یک کلام "انسان" (که شامل کودک و مرد و زن و معلول و پیر و جوان می‌شود) به صورت جامع و کامل ملاک عمل و "مدار" و "محور" همه طرح‌ها و برنامه‌ها قرار گیرد، می‌توان شهری داشت بدون تبعیض و قطب‌بندی و ظلم، که عدالت بنیاد آن است؛ و نیاز به قطعه‌قطعه کردن شهر برای پاسخ‌گویی به نیازهای گروه‌های خاص تقلیل خواهد یافت.

**زمینه فعالیتی:** زمینه یا موضوع بعدی که آن را زمینه فعالیت می‌نامیم به سازمان و ارتباطات و همجواری و نسبت فعالیت‌های جاری در شهر می‌پردازد. انتخاب ویژگی‌های مکان و فضای انجام و ظهور فعالیت‌ها نیز در این مقوله است. نکته مهم در این زمینه این است که قبل از توجه به فعالیت‌ها و ارتباطات آنها به عنوان موضوعاتی مستقل، بهتر آن است که به عللی که لزوم وجود فعالیت‌ها در شهر و نیاز اهل شهر به آنها را سبب می‌شوند، توجه شود. بعد از آن اصول دیگری همچون پاسخ‌گویی به نیازهای انسان بر اساس عدالت و به دور از تبعیض و همچنین توجه به طبیعت و منابع و احتراز از تخریب و اسراف آنها و سایر اصول زندگی مدنظر قرار گیرند، و مکان فعالیت‌ها و ارتباطات حاکم بر آنها بر اساس این اطلاعات تنظیم شود. اگر این اصول ملاک عمل قرار نگیرند، به صورت مقطعی شیوه‌هایی چون



## ۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

### ۶. ارکان و ضرورت‌های شهرسازی دانش بنیان

برای آغاز حرکت به سوی شهرسازی دانش بنیان و همچنین طی مسیر تا وصول به هدف، ضرورت‌هایی مطرح‌اند که می‌توان آنها را پایه‌ها و ارکان شهرسازی دانش بنیان نامید. قابل ذکر است که اگر چه ممکن است این ارکان در همه جوامع با یک واژه مطرح باشند، اما مفهوم و مصداق آنها به تناسب جهان بینی و فرهنگ مردمان متفاوت است؛ لذاست که در این مجال تبیین آنها در فضای اندیشه اسلامی و فرهنگ ایرانی مورد نظر و هدف است.

**الف. عقل‌مداری:** از آنجایی که به کار بستن شیوه‌های عاقلانه (با توجه به معنای اصیلی که برای عقل مطرح است، و نه عقل جزئی) ضرورت همه طرح‌ها و برنامه‌هایی است که می‌خواهند بر دانش مناسب بنیان نهاده شده باشند [۱۶]، یکی از ارکان و ضرورت‌هایی که در مباحث مربوط به شهرسازی دانش بنیان باید مورد توجه جدی و ملاک عمل قرار گیرد قلمرو "عقل" یا "عقل‌مداری" در طراحی و برنامه‌ریزی شهر است.

توجه به "عقلانیت" از آنجا مهم است که انسان‌ها توسط دو پیامبر هدایت می‌شوند؛ یکی پیامبران الهی که حامل وحی هستند؛ و دیگری، عقل که به عنوان پیامبر درونی و باطنی معرفی شده است. امام موسی بن جعفر می‌فرماید: "خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت پنهان، حجت آشکار رسولان و پیغمبران و امام‌اند و حجت پنهان عقل مردم است" [۱۱]. عقل علاوه بر آن که حجت‌الله است، پیامبر درونی و راهنمای انسان نیز می‌باشد. پس از آن که اصول و مبانی معرفی شدند، به ویژه در امور و موضوعات مربوط به زندگی، اصلی‌ترین نقش را عقل ایفا می‌کند. این عقل است که امکان ارزیابی موضوعات با اصول و مبانی و ارزش‌ها را داشته و می‌تواند راهنما و رهبر انسان باشد. "اگر نقل معتبر" ما آنزل الله است، عقل برهانی نیز "ما آلهمه الله" است [۴].

مکاتب فکری و فرهنگ‌های مختلف، مفاهیم متفاوتی از عقل را مد نظر دارند که نشان از تأثیر جهان بینی بر مفهوم عقل دارد. در عین حالی که هر جا و در هر زمانی که انسان هست، سخن از عقل نیز در میان است، در دنیای مدرن، توجه به عقل و عقل‌گرایی به عنوان اساس تفکر مدرن طوری معرفی می‌شود که گویا سایرین بهره‌ای از عقل و توجه به عقل نبرده‌اند؛ در حالی که این عقل مورد استناد، عقل جزئی یا استدلال مادی است، که ارتباطی با ماوراءالطبیعه برای آن متصور نیست، و تبعات آن در همه زمینه‌های زندگی از جمله در ارتباط با طبیعت و ارزش‌های اخلاقی، خویش را معرفی کرده است. در واقع، این مکتب فکری، عقل را به عقل و هوش انسانی و آن هم فقط

به وجه محسوس و طبیعی و جزئی و حسابگرش محدود می‌کند و تقلیل می‌دهد. عقلی ظاهری بینی که توان (یا اجازه) دخول در باطن و معنا را (فقط به این دلیل که ظاهراً محسوس حواس نیست) نمی‌دهد. عقل از نظر فلاسفه و حکما و عرفا، به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود: "عقل نظری" (عقل جزئی)، "عقل عملی" و "عقل کلی" [۵].

اما در آموزه‌های قرآنی برای عقل مفاهیم متنوعی را می‌توان بازشناخت که اهم آنها عبارتند از:

- عقل به مفهوم هدایتی آن؛ که به عبارت دیگر ارزش گذار است و نه خنثی. این عقل مخصوص تعابیر قرآنی می‌باشد و به وجه هدایتی عقل برای راهنمایی انسان متمرکز است (بقره: ۱۷۰) [۱]؛ که جمع این آیه شریفه با آیه کریمه ۲ سوره بقره مؤید قابلیت هدایت‌گری عقل است.
- وجه دوم عقل آن است که از آن به عنوان کاشف آیات الهی یاد می‌شود. در واقع، این نوع عقل به معانی و موجودهای ماورای ظواهر توجه داشته و اهتمام در کشف آنها دارد. به این ترتیب، در قالب کشف آیات الهی، این عقل است که آیه بودن جهان را نشان می‌دهد (رعد: ۴، روم: ۲۴، جاثیه: ۵ و ... [۱]).
- وجه دیگری از عقل به مثابه یا معادل علم تلقی می‌شود، و جز صاحبان علم تعقل نمی‌کنند، و عالمان از طریق تعقل، علم را درمی‌یابند (عنکبوت: ۴۳، انبیاء: ۱۰ و قصص: ۶۰) [۱]. آنچه که از این آیات برمی‌آید این است که "عقل" و "علم" با یکدیگر تناسب و همراهی غیرقابل انکاری دارند. و چون شیوه عمل انسان در مواجهه با پدیده‌ها و افعال و اقدامات و ساختن‌های همگی بر اساس مرتبه‌ای از علم انجام می‌شوند، می‌توان به اهمیت این وجه از عقل در زندگی انسان تأکید نمود. به این ترتیب، عقل معادل علم، یا حاصل و نتیجه عقل، علم و آگاهی است.
- جلوه دیگری از عقل را می‌توان به ملکوت و آگاهی اشیاء معرفی کرد که به تسبیح حق مشغول هستند (اسراء: ۴۴، انبیاء: ۱۹ و ۲۰، حدید: ۱ و ۲۴، صف: ۱ و ... [۱]).
- وجه دیگری از عقل معادل استدلال است، و برای شناخت الوهیت به آن ارجاع می‌شود، و به تعقل در آیات الهی و دریافت از راه نشانه‌ها اطلاق می‌شود: (آل عمران: ۱۱۸) [۱].
- تعالیم قرآنی علاوه بر آن که عقل را عامل هدایت معرفی می‌کند، آن را به عنوان مایه نجات و رستگاری نیز مطرح می‌نماید (ملک: ۱۰) [۱]. چنانچه "شخصی از امام صادق پرسید عقل چیست؟ فرمود: ما عِبْدَ بِه الرَّحْمَانُ وَ اَكْتَسِبَ بِه الْجَنَانَ؛ چیزی که به وسیله آن خدا پرستش شود و بهشت به دست آید" [۱۱].

## ۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

باشند که این امکانات و نعمت‌ها را ندارند و به طور طبیعی از آنها استفاده نمی‌کنند.

اما موضوع دیگر، موضوع مفهوم "اکثریت" است که گاهی به استناد آیاتی که این واژه در آنها آمده، نفی اکثریت می‌شود. در توضیح مطلب قابل ذکر است که: تعبیری چون "اکثرهم" و "اکثرالناس" در قرآن کریم آمده است که برخی به استناد آنها اکثریت انسان‌ها را موجوداتی می‌دانند که تعقل نمی‌کنند و شعور ندارند و تفقه نمی‌کنند و قس علیهذا؛ و یا به عبارت بهتر، این نسبت را به قرآن کریم می‌دهند و می‌گویند که قرآن کریم در باره اکثریت مردم چنین تعبیری را به کار می‌برد.

اما مروری بر مجموعه آیاتی که تعبیر "اکثرهم" در آنها وجود دارد (۴۴ مورد)، که امروزه با وجود نرم افزارها یافتن و مرور آنها بسیار سهل است، نشان می‌دهد که این "اکثر"ها، از میان کسانی هستند که جملگی به نوعی خطاکار بوده، خطایی را مرتکب شده و یا این که گروهی از گمراهان هستند؛ که حضرت حق می‌فرماید اینها اکثرشان تعقل نمی‌کنند، یا ایمان نمی‌آورند یا بدکار هستند و مانند اینها (جدول ۱)؛ و نه اکثریت انسان‌ها. و در میان آیات کریمه‌ای که "اکثرالناس" در آنها آمده است (۲۰ مورد) نیز، تعبیر "لا یعقلون" و "لا یسعرون" وجود ندارد، و فقط "لا یعلمون" (عموماً در برابر علم خداوند، ۱۱ بار)، "لا یؤمنون" (۴ بار) و "لا یشکرون و کفورا" (۵ بار) به کار رفته است؛ که ویژگی‌های آنان در جدول ۲ آمده است.

**ب. کرامت انسان:** توجه کنیم که اصولاً هر طرح و برنامه و فرآورده‌ای در پاسخ به تأمین نیاز(های) انسان شکل می‌گیرد؛ که در این زمینه دو نکته نباید مغفول بماند. اول این که وقتی از انسان سخن می‌گوییم منظور همه کسانی هستند نام انسان (یا بشر یا بنی‌آدم) را بر خود دارند؛ که این شمول مستقل از جنس، سن، قومیت، نژاد، عقاید، توانایی‌های جسمی و ذهنی، ثروت، قدرت، سواد و سایر ویژگی‌های مکتسبه می‌باشد. بنابراین، شهرسازی دانش‌بنیان باید نیازهای همه ساکنین و شهروندان و واردین به شهر را مورد توجه قرار دهد؛ و حتی از یک فرد یا گروه غفلت ننماید. نکته دوم این که همه نیازهای انسانی همه ساحت‌های حیات انسان باید به طور توأمان و متعادل مورد توجه قرار گیرند. به بیان دیگر، تکیه اصلی بر شناخت انسان و نیازهای انسانی وی در هر سه قلمرو "روح"، "نفس" و "جسم" است؛ که این نیازها باید از دو منظر انسانی (مطابق جهان‌بینی توحیدی) و مصادیق واقعی آن در این دوران و برای هر مکان خاص، مورد امعان نظر شهرسازان قرار گیرند.

بی‌مناسبت نیست تا به نظر قرآن کریم در باره "کرامت انسان" و "مصادیق اکثریت" است اشاره شود. قرآن کریم "بنی‌آدم" را واجد "کرامت" می‌داند و می‌فرماید: **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ: مَا أَدْمِيزَادگان را گرامی داشتیم** (إسراء: ۷۰) [۱]. توجه کنیم که نمی‌فرماید "مؤمنین" یا "مسلمین"، بلکه "بنی‌آدم" را مورد عنایت قرار داده و همگان را کرامت بخشیده است. اما این که در جایی برخی را **"كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ"** می‌شمارد (اعراف: ۱۷۹) [۱]، نه از باب تخفیف، بلکه از آن جهت است که اینان به عکس حیوانات از نعمت‌ها و امکاناتی که به آنان داده شده استفاده نمی‌کنند؛ و طبیعی است که اینها مادون موجوداتی

# نخستین کنفرانس ملی به سوی شهرسازی و معماری دانش بنیان

## ۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

جدول(۱): مجموعه آياتی که تعبیر "اکثرهم" در آنها وجود دارند

علت اطلاق صفت	صفاتی که به اکثریتی اطلاق شده	گروه مورد اشاره	آیه مورد نظر	
پیمان شکنی	لَا يُؤْمِنُونَ	قوم یهود	بقره: ۱۰۰	۱
ایمان نیاوردن	الْفَاسِقُونَ	اهل کتاب	آل عمران: ۱۱۰	۲
کفر و دروغ بستن به خدا	لَا يَعْقِلُونَ	کافران	مائده: ۱۰۳	۳
تکذیب پیامبر ص	لَا يَعْلَمُونَ	مشرکان (رویکردانان از دعوت پیامبر ص)	انعام: ۲۷	۴
ایمان نیاوردن	يَجْهَلُونَ	کافران (تکذیب کنندگان معجزه)	انعام: ۱۱۱	۵
تبعیت از شیطان	لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ	مردم (بنا به ادعای شیطان)	اعراف: ۱۷	۶
عدم استواری بر عهد	فَاسِقِينَ	تکذیب کنندگان پیامبران پیشین	اعراف: ۱۰۲	۷
انتساب نعمتها به خود، و گزندها به خدا	لَا يَعْلَمُونَ	قوم موسی <sup>ع</sup>	اعراف: ۱۳۱	۸
بازداشتن مردم از زیارت مسجدالحرام	لَا يَعْلَمُونَ	مشرکان	انفال: ۳۴	۹
عهد شکنی و عدم مراعات خویشاوندی	فَاسِقُونَ	مشرکان	توبه: ۸	۱۰
پیروی از گمان (مشرکانه)	مَا يَتَّبِعْ أَكْثَرَهُمْ إِلَّا ظَنًّا	مشرکان	یونس: ۳۶	۱۱
عدم توجه به وعده حق خدا	لَا يَعْلَمُونَ	ستمکاران	یونس: ۵۵	۱۲
حرام کنندگان حلال خدا	لَا يَشْكُرُونَ	کسانی که به خدا دروغ می‌بندند	یونس: ۶۰	۱۳
عدم ایمان به خدا	مُشْرِكُونَ	مشرکان	یوسف: ۱۰۶	۱۴
عدم توجه به اختصاص حمد به خداوند	لَا يَعْلَمُونَ	مثال‌زندگان به جای خداوند	نحل: ۷۵	۱۵
انکار نعمت خدا در عین شناخت آن	الْكَافِرُونَ	کافران	نحل: ۸۳	۱۶
دروغ بستن به پیامبر ص	لَا يَعْلَمُونَ	مشرکان	نحل: ۱۰۱	۱۷
غیر از خدا الهی برگزیدن	لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ	مشرکان	انبیاء: ۲۴	۱۸
نسبت جنون به پیامبر ص	بَلِّغْ كَارَهُونَ	منکرین پیامبر ص	مؤمنون: ۷۰	۱۹
گوش شنوا نداشتن و تعقل نکردن	كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ	مشرکان: آنها که نفس خود را معبود گرفته‌اند	فرقان: ۴۴	۲۰
بی‌توجهی به عبرتها	مَا كَانَ أَكْثَرَهُمْ مُؤْمِنِينَ	به ترتیب: مشرکان، فرعونیان، سبایان ابلیس، قوم نوح <sup>ع</sup>	شعراء: ۸، ۶۷، ۱۰۳ و ۱۲۱	۲۱، ۲۲، ۲۳
تکذیب پیامبر و بی‌توجهی به عبرتها	مَا كَانَ أَكْثَرَهُمْ مُؤْمِنِينَ	به ترتیب: تکذیب کنندگان هود، صالح، لوط، شعیب <sup>ع</sup>	شعراء: ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۷۴ و ۱۹۰	۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷
دروغ‌زنان گناهکار	كَاذِبُونَ	کسانی که شیاطین بر آنها فرود می‌آیند	شعراء: ۲۲۳	۲۹
شک	لَا يَعْلَمُونَ	مشرکان	نمل: ۶۱	۳۰
بی‌توجهی به گذشتگان	لَا يَشْكُرُونَ	مردمی که به وعده خدا بی‌توجهند	نمل: ۷۳	۳۱
بی‌توجهی به حق بودن وعده خدا	لَا يَعْلَمُونَ	مردم ظاهربین	قصص: ۱۲	۳۲
بی‌توجهی به رزاقیت خداوند	لَا يَعْلَمُونَ	نگرانان پیروی از پیامبر خدا	قصص: ۵۷	۳۳
بی‌توجهی به قدرت الهی	لَا يَعْقِلُونَ	نگرانی رزق، علی‌رغم آگاهی به قدرت خدا	عنکبوت: ۶۳	۳۴
فساد در زمین و دریا	مُشْرِكِينَ	پیشینیان مشرک	روم: ۴۲	۳۵
بی‌توجهی به اختصاص حمد به خدا	لَا يَعْلَمُونَ	کافران	لقمان: ۲۵	۳۶
پرستیدن غیر خدا	أَكْثَرَهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ	پرستندگان جن	سبأ: ۴۱	۳۷
غافلان	لَا يُؤْمِنُونَ	مشرکان	یس: ۷	۳۸
بی‌توجهی به شریک قابل شدن برای خدا	لَا يَعْلَمُونَ	مشرکان	زمر: ۲۹	۳۹
انتساب آسیبها به خدا و نعمتها به خود	لَا يَعْلَمُونَ	آزمایش شوندهگان الهی	زمر: ۴۹	۴۰
رویکردانی از سخن الهی	لَا يَسْمَعُونَ	مشرکان	فصلت: ۴	۴۱
بی‌توجهی به حق بودن خلقت	لَا يَعْلَمُونَ	منکران معاد	دخان: ۳۹	۴۲
خوانندگان پیامبر ص با فریاد	لَا يَعْقِلُونَ	فقدان تقوا	حجرات: ۴	۴۳
ظلم و نیرنگ کردن	لَا يَعْلَمُونَ	مشرکان	طور: ۴۷	۴۴



## نخستین کنفرانس ملی به سوی شهرسازی و معماری دانش بنیان

### ۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

جدول (۲): آیاتی که تعبیر که "اکثرالنَّاس" در آنها آمده است

آیه مورد نظر	صفتی که به اکثریتی (از مردم) اطلاق شده	علت
۱ بقره: ۲۴۳	لَا يَشْكُرُونَ (سپاسگزاری نکردن)	عدم سپاس از نعمتهای خداوند
۲ اعراف: ۱۸۷	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم آگاهی به این که علم زمان قیامت نزد خداوند است
۳ هود: ۱۷	لَا يُؤْمِنُونَ (باور نکردن)	عدم باور به آن که سخن پیامبر از جانب خداست
۴ یوسف: ۲۱	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم آگاهی به غالب بودن خداوند به کار خود
۵ یوسف: ۳۸	لَا يَشْكُرُونَ (سپاسگزاری نکردن)	عدم سپاس از عنایتهای خداوند به مردم
۶ یوسف: ۴۰	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم آگاهی به این که حکمی جز حکم خدا نیست
۷ یوسف: ۶۸	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم آگاهی به الهی بودن دانش یعقوب
۸ یوسف: ۱۰۳	وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ	عدم باور به غیبی بودن سخنان پیامبر ص
۹ رعد: ۱	لَا يُؤْمِنُونَ (باور نکردن)	عدم باور به حق بودن قرآن
۱۰ نحل: ۳۸	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم باور به معاد
۱۱ اسراء: ۸۹	إِلَّا كُفْرًا (جز سر انکار ندارند)	عدم باور به جامعیت قرآن
۱۲ فرقان: ۵۰	إِلَّا كُفْرًا (جز سر انکار ندارند)	عدم باور به قدرت خداوند در خلقت تنوعها
۱۳ روم: ۶	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم آگاهی مردم که به عدم خلاف در وعده الهی
۱۴ روم: ۳۰	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم آگاهی به عدم تغییرپذیری آفرینش خدا و پایداری دین او
۱۵ سبأ: ۲۸	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم آگاهی مردم به بشیر و نذیر بودن پیامبر
۱۶ سبأ: ۳۶	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم آگاهی به این که اندازه روزی نزد خداست
۱۷ غافر: ۵۷	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم آگاهی به بزرگتر بودن آفرینش آسمانها و زمین از آفرینش مردم
۱۸ غافر: ۵۹	لَا يُؤْمِنُونَ (باور نکردن)	عدم باور به وقوع قیامت
۱۹ غافر: ۶۱	لَا يَشْكُرُونَ (شاکر نبودن)	عدم توجه به صاحب تفضل بودن خداوند
۲۰ جاثیه: ۲۶	لَا يَعْلَمُونَ (ندانستن)	عدم آگاهی مردم به این که زندگی و مرگ دست خداست

کمال طلبی، خلاقیت و میل به بقا و مانند اینها می‌باشند. برای فطریات که تمایلاتی خاص انسان نامیده می‌شوند مصادیق مختلفی مطرح می‌شود که چهار مصداق بارز آن که با چهار گروه از آگاهی‌ها مرتبط است متمرکز خواهیم بود. این چهار مصداق با چهار گروه از دانش و آگاهی‌های بشری یعنی (دین و علم و هنر و اخلاق) متناظر هستند (نمودار ۲). قابل ذکر است که برخی از حکما و علما مصادیق مختلفی برای فطریات انسان مطرح می‌کنند که به نوعی می‌توانند ذیل این چهار مصداق باشند. برای نمونه، گاهی "خلاقیت و ابداع"، "خیرگرایی"، "حقیقت‌جویی"، "زیباگرایی" و "پرستش و عشق" به عنوان اصلی‌ترین فطریات بشر مطرح می‌شوند [۱۲]. در این که این موضوعات، فطریات انسانی هستند تردیدی نیست، اما جنس اینها به گونه‌ای متفاوت است که به سهولت می‌توان "خلاقیت و ابداع" را ذیل

**ج. خلاقیت:** حاصل شهرسازی دانش‌بنیان جلوه‌های خلاقیت انسان است. به بیان دیگر، دانش شهرسازی (به ویژه که به صفت دانش‌بنیان متصف شود) باید از خلاقیت سرچشمه گرفته و به ظهور اثری خلاقانه منجر شود. نکته مهم در آنچه که در این مختصر تحت عنوان فطریات انسان (در بحث آگاهی‌ها) مورد تذکر قرار گرفت، ارتباط آنها با چهار گروه از آگاهی‌ها و معرفت‌هاست که عبارت از دین، علم، هنر و اخلاق می‌باشد، و اینها نیز با چهار گرایش فطری انسان (یعنی گرایش به پرستیدن، گرایش به دانستن، گرایش به خیر و گرایش به زیبایی) متناظر هستند، والا در باره فطریات انسان به بسیاری از موضوعات که یا مستقل از چهار مقوله فوق هستند، یا به نوعی می‌توانند زیرمجموعه آنها باشند می‌توان اشاره کرد. از جمله آنها

## ۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

فروفرستاد که ظاهرش علم، و باطنش حکمت است، نوآوری‌های آن پایان نگیرد و شگفتی‌هایش تمام نمی‌شود، در قرآن برکات و خیرات چونان سرزمین‌های پرگیاه در اول بهارن، فراوان است، و چراغ‌های روشنی‌بخش تاریکی‌ها فراوان دارد، که در نیکی‌ها جز با کلیدهای قرآن باز نشود، و تاریکی‌ها را جز با چراغ‌های آن روشنایی نمی‌توان بخشید، مرزهایش محفوظ، و چراگاه‌هایش را خود نگهبان است، هر درمان‌خواهی را درمان، و هر بی‌نیازی‌طلبی را کافی است [۲].

### ۷. نتیجه‌گیری

روزآمد نمودن و ارتقای مداوم مبانی و روش‌ها و احتراز از سکون و تمرکز بر مبانی قدیمی یکی از اصلی‌ترین ارکان شهرسازی دانش‌بنیان است. توجه کنیم که این روزآمد نمودن، در واقع، نه نوگرایی مدگرایانه، که ارائه تفاسیر نو از حقایق ثابت و بی‌زمان و بی‌مکان است که از سوی علم پایدار به انسان رسیده‌اند.

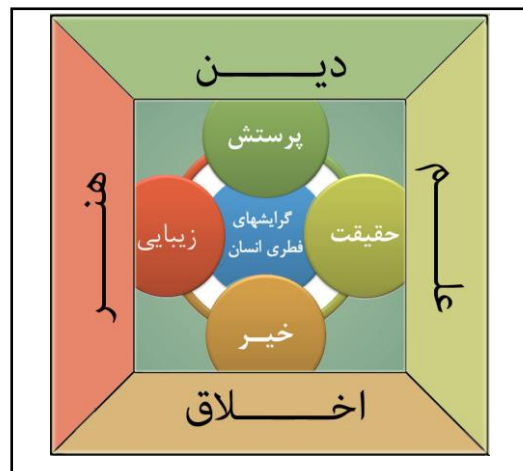
موضوعی که توجه به دانشی خاص برای طرح‌ها و برنامه‌های متفاوت و خاص برای هر شهر را ضروری می‌نماید، تمرکز بر دانش بومی و غیروابسته است که زمینه‌ساز خودکفایی جامعه و فراهم‌آوردن امکان تسهیل دست‌یابی به فضاها و مکان‌های مناسب برای زیستن مطابق فرهنگ بومی است.

تدوین فرایند شهرسازی دانش‌بنیان نیازمند مطالعه باید از اولین گام تحصیل دانش خودی (یعنی مباحث معرفتی و انسان‌شناسی و علوم مرتبط) آغاز شود. در اولین گام باید به شناخت انسان، ساخت‌های حیات وی، نیازهای مابهازاء هر ساخت حیات، ویژگی‌های فضا و مکان و محیط مناسب زیست و فعالیت‌های انسانی، ارتباطات انسان با طبیعت و اجتماع و آثارش و همچنین غایت حیات و شیوه ره سپردن در این مسیر اقدام کرد، تا به استناد آنها بتوان به موضوعات کمی و فنی و خلق فضا و مکان پرداخت.

در این فرصت بی‌مناسبت نیست که بدون نفی آثار و ساخته‌های بشر، بنا را بر آن نهاد تا بهترین و کارآمدترین شیوه‌های بازیافت شناسایی و به مورد اجرا گذاشته شوند. با بهره‌گیری از شیوه بازیافت تا حد صددرصد، آنگاه می‌توان همه نوآوری‌ها و حتی نوآوری‌های مدگرایانه و سوداگرانه را نیز قابل تحمل نمود. این شیوه‌ای است که می‌توان از طبیعت آموخت؛ که یکی از ارکان فرآیندهای طبیعی کمال‌گرایی و بازیافت و تطهیر است.

چهار گرایش دیگر، به ویژه "حقیقت‌جویی" و "زیباگرایی" که منجر به تولید علم و خلق هنر می‌شوند (و با خلایق ارتباطی انکارناپذیر دارند) قرار داد.<sup>۳</sup>

نمودار ۲: دانش‌ها و آگاهی‌های متناسب با گرایشات فطری انسان [۱۵].



### د. همراهی "دانش" با "حکمت"

نه تنها واضعین و صاحبان نظریه‌های آرمان‌شهری یکی از ویژگی‌های شهر آرمانی خویش را سیطره "حکمت" بر شهر و شهرنشینان و مدیریت شهر می‌دانند که تعالیم و حیانی نیز عموماً "حکمت" را با "دانش" همراه می‌دانند. طبیعی است که با توجه به معنا و مصادیق "حکمت"، می‌توان آن را همراه و حتی مقدم بر "دانش" دانست.

یکی از ویژگی‌های اصلی قرآن کریم (به عنوان منبع علم و دانش و معرفت) جامعیت آن و مشتمل بر "علم" و "حکمت" بودن آن است؛ و این که پاسخ‌گوی هر نیازمندی در مقولات مختلف است، و به آن دلیل که واجد بطونی است، برای آیندگان و سؤالات نو نیز پاسخ‌هایی در خور خواهد داشت: "مِنْ ظَاهِرِ عِلْمٍ، وَ بَاطِنِ حِكْمٍ، لَا تَفْنَىٰ عَرَابُهُ، وَ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُهُ، فِيهِ مَرَابِعُ النَّعْمِ، وَ مَصَابِيحُ الظُّلْمِ، لِانْفَتْحِ الْخَيْرَاتِ إِلَّا بِمَقَاتِلِهِ، وَ لَا تَكْشِفُ الظُّلْمَاتُ إِلَّا بِمَصَابِحِهِ، قَدْ أَحْمَىٰ جِمَاهُ وَ أَرَعَىٰ مَرْعَاهُ، فِيهِ شِفَاءُ الْمُسْتَشْفَىٰ، وَ كِفَايَةُ الْمُكْتَفَىٰ: قرآن را

## ۳، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۶، تهران، ایران

[۱۹] - Rao, P.K. Sustainable Development: Economics and Policy. Blackwell. Massachusetts. ۲۰۰۰

### مراجع

- [ ۱ ] قرآن کریم
- [ ۲ ] نهج البلاغه: مجموعه خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی بن ابیطالب، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، قم، ۱۳۸۴
- [ ۳ ] بٹک، لوئیس، دگرگونی در مفاهیم و هدف‌های توسعه، ترجمه ح. قاضیان، مجله نامه فرهنگ، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۰
- [ ۴ ] جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶
- [ ۵ ] جعفری، محمدتقی، حیات معقول، بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، ۱۳۶۱
- [ ۶ ] حرّانی، ابن شعبه، تُخَفُّ الْعُقُولُ عَنِ آلِ الرَّسُولِ، ترجمه احمد جنتی، چاپ و نشر بین‌الملل، تهران، ۱۳۸۷
- [ ۷ ] دیوب، ابعاد فرهنگی توسعه، ترجمه بهروز گرانپایه، مجله نامه فرهنگ، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۰
- [ ۸ ] زاکس، ولفانگ، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۷
- [ ۹ ] شووان، فریتویف، حکمت خالده، ترجمه مصطفی ملکیان، در مجموعه مقالات کیمیا، روزنه، تهران، ۱۳۸۲
- [ ۱۰ ] طیبیان، منوچهر، تعیین شاخص‌های پایداری و نماد آن در محیط زیست، مجله محیط زیست، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۸
- [ ۱۱ ] کلینی‌الرازی، ابی‌جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران، بی‌تا
- [ ۱۲ ] مطهری، مرتضی، فطرت، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۶۱
- [ ۱۳ ] ملکشاهی، حسن، شرح بر السیاسة المدنیة (اثر فارابی)، سروش، تهران، ۱۳۷۶
- [ ۱۴ ] نقی‌زاده، محمد، نظریه فضای حیات طیبه: شهر آرمانی اسلام، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۳۹۵
- [ ۱۵ ] نقی‌زاده، محمد، شهر علوی (شهر آرمانی تحقق‌پذیر در دنیا)، خورشیدباران، تهران، ۱۳۹۵
- [ ۱۶ ] نقی‌زاده، محمد، اصول طراحی و برنامه‌ریزی شهر عقل‌مدار، شهرداری اصفهان، اصفهان، ۱۳۹۳
- [ ۱۷ ] نقی‌زاده، محمد، هویت شهر (مبانی، مؤلفه‌ها و جلوه‌ها)، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۹۲
- [ ۱۸ ] نقی‌زاده، محمد، ادراک زیبایی و هویت شهر (درپرتوتفکر اسلامی)، شهرداری اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۶

### زیر نویس‌ها

”الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مَفَاتِيحُهُ سُؤَالٌ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ، فَإِنَّهُ تُوَجَّرُ أَرْبَعَةٌ: السَّأَلُ وَ الْمُتَكَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمُجِيبُ لَهُمْ: علم در خزانه‌ای است که کلیدش سؤال است؛ خدا شما را رحمت کند، بپرسید که چهار کس در سؤال آجر برند: سائل، گوینده، شنونده و دوست‌دارنده آنها“ (به نقل از حرّانی، ۱۳۸۷، صص ۹۳-۹۲).<sup>۱</sup>

برای مطالعه در باره مراتب مختلف ادراک و آگاهی و نقش آنها در شناخت مراتب زیبایی ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۶.<sup>۲</sup>

و حتی در قلمرو دین و اخلاق نیز خلاقیت می‌تواند به صورت رایه تفسیر و تحلیل‌های ”نو“ مطرح شود.<sup>۳</sup>